

## خبر

### گودرزی: فدراسیون توان پرداخت دستمزد کی‌روش را دارد

وزیر ورزش و جوانان با بیان اینکه فدراسیون فوتبال به تنهایی توان پرداخت مبلغ مورد نیاز قرارداد کی‌روش را دارد، تاکید کرد؛ با توجه به در پیش بودن جام ملت‌های آسیا باید هرچه سریع‌تر تکلیف تیم ملی روشن شود.
محمود گودرزی درباره تمدید قرارداد با کارلوس کی‌روش اظهار کرد: تصمیم‌ها درباره مربیان، سرپرستان و کادر فنی عموماً در فدراسیون‌ها گرفته می‌شود و نباید مسائل تخصصی در حوزه‌های فنی به سایر شؤون که نباید در مسائل دخالت کنند، کشیده شود.
متأسفانه در کشور ما به همه چیز در عالی‌ترین سطوح پرداخته می‌شود و از آنها پاسخ می‌خواهند.
از اختیارات قطعی فدراسیون‌هاست که به مسائل فنی بپردازند چرا که وزارت ورزش رویکردها و سیاست‌گذاری‌های کلی را تعیین می‌کند.
اینکه یک مربی بماند یا نماند و کیفیتش چگونه بوده یا دستمزدش چقدر باشد، در فدراسیون‌ها باید بحث و بررسی شود.
فدراسیون فوتبال نیز خودش باید درباره مربی خودش تصمیم‌گیری کند؛ چرا که سازمان باثلی است و می‌تواند در این باره بهترین تصمیم را اتخاذ کند.
اگر از من در این باره مشورت بخواهند می‌گویم فدراسیون باید تحلیل کند که آیا این مربی در طول این ۳ سال و آندی که در تیم ملی فعالیت می‌کند، توانسته پرورنده و سابقه درخشانی از خود بجا بگذارد و توفیقی داشته باشد، آن وقت نمره قبولی یا مسردودی به او بدهند و درباره او تصمیم بگیرند.
بر این اساس وارد مذاکره شوند که آیا این مربی بماند یا خیر.
آن وقت مساله دستمزد در اولویت بعدی قرار می‌گیرد که در دنیا یک عرفی وجود دارد که مربیان براساس سابقه و موفقیت‌های خود دستمزدی دارند که می‌توان به راحتی فهمید دستمزد یک مربی به چه میزان است و یک مربی چقدر ارزش دارد.
فدراسیون فوتبال خوشبختانه وضعیت اقتصادی خوبی دارد و به جهت تبلیغات روز زمین و حق پخش تلویزیونی درآمد خوبی کسب می‌کند.
همان طور که برای تبلیغات دور زمین برای ۲ سال مبلغ ۱۶۰ میلیارد تومان درآمدزایی کرد.
همچنین نزدیک به ۸ میلیون دلار به خاطر حضور در جام جهانی از فیفا دریافت می‌کند که این مبلغ دریافتی از فیفا نزدیک به ۲۴ میلیارد تومان می‌شود و این عددی است که محقق شده و فدراسیون توان پرداخت دستمزد کی‌روش را دارد اما باید به آن مربی و جایگاه او توجه شود و به درستی تعیین شود که او چه ارزشی دارد نه اینکه تابع جوسازی‌ها و راندانزی کمپین‌ها شویم.

## کی‌وسک



### اسپورت سوار س پیشیمان است



۱- بروز هر حادثه‌ای در فوتبال امکان دارد اما این به آن معنا نیست که با یک مربی بسیار بزرگ می‌شود همه فرمول‌ها را به سنخره گرفت و ناگهان قهرمان جهان شد.که اگر اینگونه بود تردید تکنید اعراب حاشیه‌ای جنوب خلیج‌فارس آنقدر پول دارند که بتوانند همین الان گواردیولا را سرمربی تیم ملی‌شان کنند اما این ترانسفر مضحک تنها ۲ خروجی دارد؛ پرشدن حساب پی‌پی، بی‌اعتبار شدن گواردیولا.
با یک مربی ولو به بزرگی آنجلوتی و مورینیو هم نمی‌شود ساختار فوتبال یک کشور را حتی در طول چند سال عوض کرد.
نمونه برای مثال فراوان است. از فرانک ریکارد گرفته که در عربستان به آخر خط رسید تا کاپلوی بزرگ که نشان داد در جام‌جهانی نتوانسته هیچ تغییری در فوتبال روسیه ایجاد کند.
ما دوست داریم قدیس بسازیم، فرهنگ ما عاشق اسطوره‌سازی است از این رو همه موفقیت‌های بزرگ والیبال را دریست به اسم ولاسکو نوشستیم و حالا که او رفته با دهان کاملاً باز می‌بینیم که کوچ کاری را کرد که ولاسکو هم نتوانست.
معجزاتی در والیبال ما رخ نداده و تنها در حال چیدن میوه درختی هستستیم که ۲ دهه در یک زمین کاملاً حاصلخیز کاشته بودیم.

۲- این مقدمه نسبتاً طولانی و تقریباً تکراری گفته شد تا برسیم به موضوع این روزهای کانون مربیان ایران علیه کارلوس کی‌روش.
پیشقراول این کانون و آشخوَر فکری این مجموعه مجید جلالی است.مربی علمگرای ایرانی که تنها یک بار در طول زندگی‌اش موفق به قهرمان کردن یک تیم در لیگ برتر شد.
فارغ از این موضوع که چرا فولاد با جلالی در حال سقوط بود و یا فرکی قهرمان شد.
فارغ از این موضوع که تراکتور چرا با جلالی به بن‌بست رسید اما با تونی اولیویرا فاتح جام حذفی شد و فارغ از همه این مباحث که در حوصله این نوشته نیست باید به این اتفاق تاریخی توجه کرد که مجید جلالی تنها مربی ایرانی بود که در یک نامه مسروف از رئیس‌جمهور وقت درخواست کرد مانع انتخاب سرمربی خارجی برای تیم ملی شود.
کانون مربیان ایران حق دارد که به فکر منافع اعضایش باشد.
آنها حق دارند که دوست داشته باشند تیم ملی به یکی از آنها برسد.
آنها کاملاً محقند که برابر همتای خارجی موضع داشته باشند چون رقیب همیشه رقیب است اما آیا منافع ملی را هم لحاظ می‌کنند؟
در نقد کی‌روش و تیم ملی می‌گویند این مربی برتقالی نتوانسته در ۳ سال اخیر تغییری را در فوتبال ایران حاصل کند.
در ایسن موضوع هیچ تردیدی وجود ندارد چرا که اگر تنها یک مربی ملی بتواند این کار را انجام بدهد آن وقت بایدند کانون مربیان ایران و همه اعضایش کار خود را ول کنند و به زمین کشاورزی و تدریس در مدرسه سابق بپردازند.
در کجای دنیا کدام سرمربی ملی در طول ۳ سال یا خوشبختانه‌ترین حالت ۶ سال توانسته بیس و اساس فوتبال یک کشور را تغییر بنیادین بدهد؟
در بهترین حالت کی‌روش می‌توانست با یک تیم فوق‌العاده جوان یا سه برزیل بگذارد و به بهای کسب تجربه، اسروزی یک ملت را به حراج بگذارد؛ مربیانی صحبت از تغییر نسل می‌کنند که در تیم‌های آنها پیرمردسالاری هنوز ادامه دارد.
کریمی را می‌پرستند عیانیی را روی سرشان می‌گذارند.
سهراب

**گروه ورزشی:** الجزایر مردانه جنگید ولی آنقدر بدشانس بود که نتوانست پیروز شود.
ژرمن‌های مغرور با خوش‌شانسی تمام انتقام نبرد گیخون را گرفتند.
البته در همان سال ۱۹۸۲ نیز آلمان فدرال و اتریش دست به تینای زشتی زدند تا صعود کنند.
بعد از سال‌ها در پورتوآلگره نیز دست روزگار الجزایر و آلمان را به هم رساند ولی این بار شاگردان یواخیم لوو در وقت اضافه شیران الجزایر را شکست دادند تا به مرحله حذفی برسند.

#### شب نویر در پورتوآلگره

کاری که نویر در این بازی کرد پوشیدن لباس یک دفاع آخر بود.
او شجاعانه از دروازه خارج می‌شد و با حرکات آکروباتیک توپ را از مقابل پای بازیکنان قوی‌هیکل الجزایر دفع می‌کرد.
نمایش مانوئل نویر، دروازه‌بان آلمان در بازی مقابل الجزایر استثنایی و خارق‌العاده بود.
دروازه‌بان تیم‌ملی آلمان در این بازی بارها و بارها در فضای پشت خط دفاعی بیرون از محوطه جریمه حاضر شد و توپ‌های مختلفی را در شرایط نامناسب با ضربات سر و پا دفع کرد.
نمایش نویر آنقدر فداکارانه و زیبا بود که اگرچه جایزه بهترین بازیکن به او نرسید اما به عقیده مطبوعات آلمانی سستاره بی‌چون و چسرای زمین بود.
کاری که نویر در این بازی کرد پوشیدن لباس یک دفاع آخر بود.
او شجاعانه از دروازه خارج می‌شد و با حرکات آکروباتیک توپ را از مقابل پای بازیکنان قوی‌هیکل الجزایر دفع می‌کرد.
جالب اینکه با این حرکات ریسکی بعد از شروع توفانی الجزایر در ابتدای مسابقه آنها دیگر کمتر موقعیت مسلم گل مقابل دروازه آلمان پیدا کردند.
آلمان با دفاعی که بالاخره از حد معمول و رو به دروازه حریف بازی می‌کرد برای گذر از حریف سختکوشی مثل الجزایر به این عملکرد نیاز داشت.
کاری که او به شکل فوق‌العاده‌ای از پس آن برآمد.
نمایش نویر مقابل الجزایر را باید یکی از کم‌تقن‌ترین و مدرن‌ترین عملکردها در تاریخ جام‌های جهانی نامگذاری کرد.
عملکردی که کامل‌کننده یک ساختار دفاعی خطی است که می‌تواند در بازی‌هایی مثل آلمان-الجزایر برای تیم قوی‌تر ددرساز شود.

**رمزگشایی از بیانیه کانون مربیان ایران علیه کی‌روش**

# کنج بدون رنج می‌خواهند؟

■ مهدی‌طاهر خانی



بختیاری‌زاده را اول نمی‌کنند.
۲- کارلوس کی‌روش هرگز نمی‌توانست در این ۳ سال یا احیاناً ۳ سال آینده برای فوتبال ملی ما تاکتیک نوین ابداع کند، ستاره از دل لیگ بیرون بیاورد و به بازیکن ۳۰ ساله فوتبال جدید آموزش بدهد.
همانطور که کاپلو در این مدت نتوانسته در روسیه زلزله بپا کند.
آنچه فوتبال ما از کی‌روش می‌خواست ۲ خواسته بود؛ صعود به جام جهانی برزیل و انجام بازی‌های ابرومدانه.
اولی به صورت کامل حاصل شد و دومی تا حدودی.
کارلوس کی‌روش تیمی را در اختیار داشت که بدون تردید کم‌ستاره‌ترین تیم ملی ایران در چند دهه اخیر بود.
کانون مربیان ایران که اهل پژوهش است یک نماینده به میدان منبری تهران بفرستد.
از تمام مغازدهارانی که لباس‌های اصل یا تقلبی تیم ملی را می‌فروشند بپرسد کدام شماره‌ها تا قبل از آغاز جام، بیشترین مشتری را داشت.
اعداد عجیب و غیر رند ۱۶ و ۲۱.
این لباس‌ها برای بازیکنانی بود که کانون مربیان ایران در یک دهه اخیر از تولید بازیکنانی که شایسته این پیراهن باشند، عاجز بود.
این ۲ پیراهن برای بازیکنانی است که لیگ پردعا و گران ما ستاره‌های همسنگ آنها تولید نکرد.
بله شاید آنها سوپرستار نباشند اما در این شب تار فوتبال ما قطعاً بخش اعظمی از تاریکی‌اش متوجه مربیان داخلی است، اشکان و کوچی تاناکا‌ترین‌ها هستند.

۲ بازیکنی که کی‌روش به شخصه به سراغ‌شان رفت و آنها به واسطه بزرگی نام کی‌روش بدون مکث پیشنهاد بازی در ایران را پذیرفتند.
۴- کار سرمربی تیم ملی کشف ستاره نیست چرا که ستاره‌ای مثل مهدی شریفی سپاهان باید توسط مربی تیزبین به فوتبال معرفی شود.
اما کی‌روش این کار را در حق فوتبال ایران کرد و از سوی چند تن از اعضای این

بختیاری‌زاده را اول نمی‌کنند.
۲- کارلوس کی‌روش هرگز نمی‌توانست در این ۳ سال یا احیاناً ۳ سال آینده برای فوتبال ملی ما تاکتیک نوین ابداع کند، ستاره از دل لیگ بیرون بیاورد و به بازیکن ۳۰ ساله فوتبال جدید آموزش بدهد.
همانطور که کاپلو در این مدت نتوانسته در روسیه زلزله بپا کند.
آنچه فوتبال ما از کی‌روش می‌خواست ۲ خواسته بود؛ صعود به جام جهانی برزیل و انجام بازی‌های ابرومدانه.
اولی به صورت کامل حاصل شد و دومی تا حدودی.
کارلوس کی‌روش تیمی را در اختیار داشت که بدون تردید کم‌ستاره‌ترین تیم ملی ایران در چند دهه اخیر بود.
کانون مربیان ایران که اهل پژوهش است یک نماینده به میدان منبری تهران بفرستد.
از تمام مغازدهارانی که لباس‌های اصل یا تقلبی تیم ملی را می‌فروشند بپرسد کدام شماره‌ها تا قبل از آغاز جام، بیشترین مشتری را داشت.
اعداد عجیب و غیر رند ۱۶ و ۲۱.
این لباس‌ها برای بازیکنانی بود که کانون مربیان ایران در یک دهه اخیر از تولید بازیکنانی که شایسته این پیراهن باشند، عاجز بود.
این ۲ پیراهن برای بازیکنانی است که لیگ پردعا و گران ما ستاره‌های همسنگ آنها تولید نکرد.
بله شاید آنها سوپرستار نباشند اما در این شب تار فوتبال ما قطعاً بخش اعظمی از تاریکی‌اش متوجه مربیان داخلی است، اشکان و کوچی تاناکا‌ترین‌ها هستند.

۴- کار سرمربی تیم ملی کشف ستاره نیست چرا که ستاره‌ای مثل مهدی شریفی سپاهان باید توسط مربی تیزبین به فوتبال معرفی شود.
اما کی‌روش این کار را در حق فوتبال ایران کرد و از سوی چند تن از اعضای این

**ژرمن‌ها به سختی الجزایر را شکست دادند**

## ایستاده مردن



#### خداحافظ الجزایر سرفراز

آلمان در دیداری جذاب و تماشایی که ۱۲۰ دقیقه به طول انجامید، با نتیجه ۲ بر یک الجزایر را شکست داد و به مرحله یک‌چهارم‌نهایی جام جهانی راه پیدا کرد.
بازی در وقت‌های قانونی و تساوی بدون گل به پایان رسید اما آلمان در وقت‌های اضافی توانست ۲ بار توسط شورله و اوزیل به گل برسد و تک‌گل جابو نتوانست مانع از پیروزی ژرمن‌ها شود.
الجزایری‌ها بازی را خیلی خوب آغاز کردند و ایسن مانوئل نویر بود که با یک خروج به موقع، مانع از گلزنی سلیمانی در دقیقه ۹ شد.
چند دقیقه بعد نویت ستفان فوئلی بود که شانس خود را امتحان کند اما در حالی که دو بازیکن دیگر الجزایر موقعیت بهتری داشتند، توپ از کنار دروازه به بیرون رفت.
در دقیقه ۱۷، سلیمانی روی ارسال فوژی غلام، دروازه آلمان را باز کرد اما داور به درستی را به دلیل آفساید مردود اعلام کرد.
پس از این، رفته‌رفته آلمانی‌ها بر بازی مسلط شدند و دو بار توسط مولر و اوزیل بشدت دروازه امبولی را تهدید کردند.
در دقیقه ۳۹ نویت مهدی مصطفی بود که با یک شوت از راه دور دروازه آلمان را تهدید کند.
ضربه او بعد از برخورد به بواتنگ،

یک گزینه ایرانی برویم، چرا که موفق‌ترین تیم چند دهه اخیر در جام ملت‌های آسیا یعنی ژاپن به تازگی خلویر آگیره مکزیکسی را آورده و نگران این موضوع نیست که این مربی شناختی از فوتبال ژاپن ندارد.
پس بهتر است در صورت عدم توافق با کی‌روش، فدراسیون فوتبال این دروغ بزرگ را تحویل جامعه داد می‌شود، خوب هم می‌شود.
اگر ما اسیر مسی آن هم در آخرین تاقیه نمی‌شدیم، اگر ما قربانی ناپیئانی یک صرب نمی‌شدیم آن وقت مشخص نبود کانون مربیان ایران باز هم اصرار داشت تا تیم ملی کماکان به یکی از آنها برسد یا نه.

۵- واقعیت دم دست است.
همانطور که هیچ مربی‌ای قادر نیست با سرمربیگری در تیم ملی یک کشور یک‌تنه باعث تحول شود، کی‌روش هم در این کار موفق نبود.
فوتبالی که مهم‌ترین مهاجمش کریم انصاری‌فرد است، فوتبالی که ستاره میانه میدانش هنوز نگونام هست و آندو که هر ۲ بالای ۳۰ سال سن دارند، فوتبالی که هیچ یک از ستاره‌هایش قابلیت عکس شدن روی دیوار اتاق یک پسرچپه را ندارد، نمی‌تواند برابر بوسنی حمله کند و گل بزند.
با این پتانسیل و با این فوتبالیست‌ها نهایتش می‌شود جلیو فاجه را گرفت، همان کاری که کی‌روش کرد.
ستاره‌های ایران در ۲ جام‌جهانی قبل را با ستاره‌های ایران در این جام مقایسه کنید و ببینید آیا ایران روشی جز اجزای تاکتیک دفاعی کی‌روش داشت یا نه.

۶- قیمت کارلوس کی‌روش بالانست.
شاید آفریقای جنوبی و الجزایر هم این پول را به او ندهند.
این یک موضوع کاملاً جداگانه است که فدراسیون فوتبال و دولت می‌توانند درباره دادن یا ندادنش تصمیم بگیرند اما باید این موضوع را در نظر گرفت که در صورت عدم توافق با کی‌روش ما حق نداریم به بهانه کمبود وقت تا آغاز جام ملت‌های آسیا سراغ

در دقیقه ۱۱۸، توپ یک حمله همه‌جانبه توسط آلمان‌ها، اوزیل روی برگشتی توسط مدافعان حریف را بسا ضربه‌ای فرقیابل مهار از زاویه‌ای تنگ، به گل دوم آلمان تبدیل کرد.
در آخرین دقیقه از بازی، الجزایر سسرانجام توانست روی یک ارسال از سمت راست، توسط جابو به گل برسد اما این گل نتوانست مانع پیروزی آلمان و صعود این تیم به یک‌چهارم نهایی شود؛ جایی که باید با فرانسه دیدار کند.

#### خروس پرواز کرد

فرانسه در یک بازی سخت و نفسگیر موفق شد با نتیجه ۲ بر صفر نیجریه را شکست دهد و به یک چهارم نهایی صعود کند.
در این دیدار فرانسه از تمام قوای هجومی خود استفاده کرد و البته در پایان کار به نتیجه مطلوب خود رسید.
عقاب‌ها هم دست و پا بسته نبودند و موقعیت‌های خوبی بویژه در نیمه اول داشتند و درخشش دروازه‌بان‌شان آنها را بارها در بازی نگه داشت.
در دقیقه ۱۹ دیدار نیجریه موفق به گلزنی شد ولی گل آمینیکه توسط داور مردود اعلام شد.
در تصاویر آهسته مشخص بود مهاجم نیجریه در موقعیت آفساید قرار داشته است.
در اواسط نیمه اول، انیاما یک واکنش استثنایی مقابل ضربه پوگبا نشان داد و تیمش را در بازی نگه داشت.
تا پایان نیمه دو تیم موقعیت خاصی نداشتند و موفق نشدند برتری خود را به حریف دیکته کنند.
نیمه دوم هم تا دقیقه ۶۰ میانه‌ها پیگیری می‌شد و از دقیقه ۷۰ فرانسه که احساس خطر کرده بود، به حملاتش افزود.
بنزما در دقیقه ۷۰ یک موقعیت عالی داشت که با واکنش ضعیف انیاما روبه‌رو شد و توپ از روی خط توسط مدافع نیجریه دفع شد.
سپس یک شوت دیدنی توسط کابای به زیر طاق دروازه برخورد کرد.
پس از آن بار دیگر نویت بنزما بود که با یک ضربه سر دروازه عقاب‌ها را تهدید کند ولی باز هم با واکنش خوب کتر و دفع ناقص انیاما، بلاخره پوگبا موفق شد با یک ضربه سر، دروازه نیجریه را باز کند.
دقیقه ۹۰ هم روی سانتر کوتاه والبوشا و اشتباه ییو در دقیقه توپ، دروازه نیجریه بار دیگر باز شد.
بازی با نتیجه ۲ بر صفر به نفع خروس‌ها به پایان رسید تا آنها در دور بعد به مصاف آلمان بروند.

## گزارش

### پنالتی؛ کابوس هلندی‌ها



انگلستان دیگر در جام جهانی نیست اما هلندی‌ها نیز بیش از هر تیم دیگری از ضربات پنالتی وحشت دارند.
هلند با پیروزی خیره‌کننده ۵ بر یک مقابل قهرمان دوره قبل، اسپانیا و برد ۲ بر صفر برابر شیلی یکی از مدعیان جدی قهرمانی است اما این تیم بیش از هر تیم دیگری از ضربات پنالتی وحشت دارد.
دلیل؟
اینکه آنها در ۵ تورنمنت مهم قبلی تاکنون تنها یک بار موفق شدند در ضربات پنالتی حریف خود را شکست دهند، آن هم با یک آمار ناامید‌کننده.
تنها در ۲۰ درصد بازی‌هایی که ایسن تیم سرنوشش به ضربات پنالتی گره خورده، موفق به پیروزی شده است.
تنها ۶ درصد بیشتر از انگلستانی که با ۱۴ درصد موفقیت در ضربات پنالتی یکی از بدترین کارنامه‌ها را در اختیار دارد.
آنها در ۷ مسابقه‌ای که بازی به ضربات پنالتی کشیده شده تنها یک بار برنده شده‌اند.
بدترین خاطره هلندی‌ها در ضربات پنالتی به یورو ۲۰۰۰ بازمی‌گردد.
در خاک خود و در آمستردام آرنسا و در روزی که در مرحله نیمه‌نهایی بازی‌ها با ایتالیا روبه‌رو شدند.
در آن

مسابقه این تیم در مجموع ۵ ضربه پنالتی را از دست داد؛ ۲ پنالتی در جریان مسابقه و ۳ ضربه در انتهای بازی.
کسی که آن روز برایش بیش از همه کابوس‌وار بود، کاپیتان آن تیم یعنی فرانک دی‌بوئر بود.
مردی که ابتدا در دقیقه ۳۶ مسابقه پنالتی را از دست داد و سپس در ضربات پنالتی در حالی که ضربه اول را جی‌جی دی‌یاجو از ایتالیا به گل تبدیل کرده بود، نخستین ضربه تیمش را هدر داد.
«چه کسی در روزهای آینده شادی را به کشور هلند هدیه می‌دهد؟ فرانک دی‌بوئر؟
بله او هیچ‌گاه ۲ بار در یک مسابقه ضربه پنالتی را از دست نداده است.»
این جمله تنو رتسما، گزارشگر شبکه هلندی بود، هنگامی که دی‌بوئر برای زدن ضربه پنالتی به محل مودنظر نزدیک می‌شد.
برادر دوقلوی فرانک، یعنی رونالد دی‌بوئر هنگامی که او به طرف نقطه پنالتی حرکت می‌کرد، به او توصیه کرد ضربه‌اش را محکم و به وسط دروازه شلیک کند.
این نقشه آنها بود.
فرانک می‌گوید: «من اصلاً استرس نداشتم.
جنگ روانی را تولدو شورون کرد.
دندان به من چشمک زد.
می‌خواستم به او بگویم اگر می‌دانی به کدام طرف می‌خواهم شلیک کنم، خوش به حالت.»
دی‌بوئر نیز به تولدو چشمک

زد اما ضربه او بسیار ضعیف بود، کم‌رمق و وسط دروازه.
طوری که تولدو به‌راحتی توپ را گرفت.
اصلاً حسی به خود زحمت حرکت نینز بنداد.
دی‌بوئر ادامه می‌دهد: «دلیل اصلی از دست دادن آن ضربه، خستگی‌ام بود.
به‌همین خاطر بود که ضربه بسسیار بدی به تسوپ زدم.
از لحاظ روحی همیشه در پنالتی‌ها ناگام هستم، خود یک فشار روانی منفی به تیم منتقل می‌کرد.
فکر می‌کردیم هیچ امیدی نداریم.»
رایکارد در مربیگری خود بسیار از اسطوره و نماد فوتبال هلند یعنی یوهان کرویف تاثیر گرفته بود.
کرویف به نظر می‌رسد در ضربه پنالتی یکی از سلاطین باشد، چراکه سال ۱۹۸۲ و در جریان سازی تیمش آژاکس که در برابر هلموند اسپورت هنگامی که پشت توپ برای زدن ضربه پنالتی قرار گرفت، با چند پاس متوالی با هم تیمی‌اش یسپسر اولسن، ضربه را به گل تبدیل کرد.
البته آن نوع ضربه پنالتی که با پاس‌های متوالی زده می‌شد اولین بار توسط ریک کوبنس، بازیکن تیم ملی بلژیک در سال ۱۹۵۷ به ثمر رسید اما نکته جالب درباره آن ضربه کرویف در آن سال این بود که برای اولین بار در طول ۱۰ سال حضورش در آژاکس که بیش از ۲۵۰ بار نیز برای این تیم به میدان رفته بود، پشت ضربه پنالتی قرار می‌گرفت.
دروازه‌بان ذخیره تیم، ران موگارد، سه پاد می‌آورد که اگر قرار بود کرویف در تمرینات پنالتی بزند، همیشه سعی در خلق حرکات جدید حین ضربه پنالتی یا تقصیر کردن حریفش داشت.
در تیم آژاکس، هنک خروت، گری میورن و یوهان نیسکنس برای زدن ضربه پنالتی در اولویت بودند.
در تیم هلند نیز نیسکنس و راب رنستریک در اولویت قرار داشتند.
کرویف در آخرین سال‌های بازیگری‌اش در هلند به فاینورد رفت.
او در بازی دوستانه قبل از فصل تیمش مقابل رم وقتی بازی به ضربات پنالتی کشیده شد، پشت توپ قرار گرفت.
کرویف می‌خواست مربی‌اش را تحت تاثیر قرار دهد.
او در این باره خاطرات جالبی را به یاد می‌آورد: «طی ۲ روز ۲ بازی انجام داده بودیم که به وقت اضافه نیز کشیده شده بود.
واقعا خسته بودم، عصبی و آشفته.»
او این جملات به مجری یکی از شبکه‌های هلند، فریتس براند و هنک فان درب می‌گوید: «کمی قدم می‌زنید تا به نقطه پنالتی برسید.
بعد چشمتان را می‌بندید و ضربه را می‌زدید.
بعد تصور می‌کنید آن ضربه ممکن است به کدام سمت دروازه برود.
می‌دانید آن توپ سرر از کجا دور آرد؟
از طبقه دوم سکوهای ورزشگاه وقتی ضربات پنالتی آغاز می‌شود به نظران دروازه بسیار کوچک است اما وقتی استرس و فشار نیز همراهتان است هنگام زدن ضربه، دروازه کوچک‌تر هم به نظر می‌رسد!»